

# حضانة کودک در فقه جعفری و قانون اساسی جمهوری اسلامی

زهرا یزدانی اراضی<sup>۱</sup>

## چکیده

حضانة کودک از جمله مسائل بنیادین فقهی، حقوقی و اجتماعی است که به طور مستقیم با سرنوشت نسل آینده جامعه اسلامی پیوند دارد. **حضانة** به معنای نگهداری، مراقبت و تربیت کودک است که ناظر به تأمین نیازهای جسمی، روانی و اخلاقی وی در دوران ناتوانی است. این مفهوم در فقه و حقوق، نه تنها مسئولیتی قانونی بلکه تکلیفی اخلاقی و اجتماعی تلقی می شود که بر عهده والدین یا سرپرستان قانونی قرار دارد. در این نوشتار، با رویکرد تفسیری و تاریخی، مسئله حضانة از منظر فقه شیعه و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی می شود. نگارنده با روش توصیفی-کتابخانه ای، سعی دارد جایگاه حضانة در نظام حقوقی ایران، شرایط متولی حضانة، اولویت پدر یا مادر در عهده داری آن، و موارد سلب حضانة را تبیین نماید. بررسی منابع فقهی و قانونی نشان می دهد که حضانة در فقه شیعه از مسئولیت های مهم والدین تلقی شده و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر کرامت انسانی و حقوق خانواده، حمایت ویژه ای از حقوق کودکان و تنظیم امور حضانة دارد. در پایان، ضمن تحلیل دیدگاه های فقهی و قانونی، به برخی خلأها و چالش های اجرایی در این حوزه نیز اشاره می شود. یافته های این پژوهش نشان می دهد که حضانة کودک در فقه شیعه، مسئولیتی متقابل و توأم با تکالیف اخلاقی و حقوقی والدین است که تأمین نیازهای مادی و معنوی کودک را شامل می شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی انسانی و مبتنی بر کرامت کودک، ضمن تأکید بر حمایت از حقوق خانواده، مقرراتی را برای تعیین شرایط متولی حضانة و اولویت بندی میان والدین به ویژه مادر در دوران ابتدایی زندگی کودک پیش بینی کرده است. همچنین مواردی که می توان حضانة را از والدین سلب کرد، در قوانین مشخص شده اند که ضرورت اجرای دقیق آنها برای حفظ منافع کودک و ارتقای حقوق وی اهمیت دارد. با این وجود، خلأهای قانونی و مشکلات اجرایی در روند عملی حضانة، نیازمند بازنگری و اصلاحات اساسی است.

## کلمات کلیدی:

پدر و مادر، حضانة، کودک، قانون جمهوری اسلامی ایران

---

<sup>۱</sup> سطح ۲ حوزه علمیه الزهرا مبارکه

## مقدمه:

از منظر منابع فقهی همچون کتاب النکاح و المسالک، «حضانة» به معنای ولایت و سلطنت بر تربیت کودک و لوازم آن تعریف می‌شود؛ اموری نظیر نگهداری، تغذیه، خواب، پوشاک و مراقبت‌های بهداشتی و روانی. به تعبیر دیگر، حضانة یعنی نگهداری و مراقبت از کودک، تنظیم روابط او با دنیای بیرون، و تضمین سلامت جسمی و روانی او، با رعایت حقوق ملاقات خویشاوندان نزدیک.

در این مقاله، با رویکردی توصیفی و کتابخانه‌ای، به بررسی مسئله حضانة کودک از منظر فقه شیعه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌روست که کودکان از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه‌اند و آینده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را می‌سازند. از این‌رو، شناخت دقیق ابعاد حضانة و شرایط متولیان آن، برای حفظ سلامت نسل آینده امری حیاتی است.

از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به آن هستیم، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

حضانة کودک از منظر فقه شیعه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه تبیین شده است؟

چه شرایطی برای فرد عهده‌دار حضانة در نظر گرفته شده است؟

در نظام حقوقی و فقهی، اولویت حضانة با پدر است یا مادر؟

در چه مواردی امکان سلب حضانة وجود دارد؟

مسئله حضانة، قدمتی به درازای تاریخ تشکیل خانواده دارد؛ به‌ویژه در مواردی که یکی از والدین (یا هر دو) بنا به دلایلی همچون فوت، مفقود شدن، یا عدم صلاحیت روحی، جسمی یا قانونی قادر به نگهداری از کودک نیستند.

هرچند درباره این موضوع آثاری نگاشته شده، برخی از آن‌ها از کاستی‌هایی برخوردارند. برای نمونه، در کتاب «بررسی تطبیقی حضانة کودک بر اساس قانون اساسی»، به جزئیات برخی ابعاد اساسی پرداخته نشده است. همچنین، مقاله «حضانة و ماهیت آن» از ابوالفضل صدیقی، به‌واسطه نداشتن ساختار و فهرست مطالب، نیازمند بازبینی و بازنگری است. این مقاله در صدد است با رویکردی جامع و مستند، ابعاد فقهی، حقوقی و اجتماعی حضانة کودک را تبیین و تحلیل کند.

## مفاهیم پایه و مبانی نظری

### ۱-۱ ریشه‌شناسی و تعریف حضانت:

حضانت واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای پروردن، نگهداری و در آغوش گرفتن آمده است. ریشه این واژه از «حَضَن» به معنای فاصله زیر بغل تا سینه گرفته شده، چرا که کودک را در این محدوده در آغوش می‌گیرند و از او مراقبت می‌شود.<sup>۱</sup> در فرهنگ حقوقی لنگرودی، حضانت چنین تعریف شده است: «نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است».<sup>۲</sup> در فقه امامیه، حضانت به کسر حرف ح، به معنای ولایت و سلطنت بر تربیت طفل است و شامل اموری مانند خواباندن، نظافت، شست‌وشو و سرکشی به کودک می‌شود.<sup>۳</sup>

در حقوق ایران، گرچه قانون مدنی تعریفی صریح از حضانت ارائه نداده، اما از مفاد باب دوم از جلد دوم قانون مدنی و همچنین برخی مواد قانون حمایت خانواده، می‌توان دریافت که حضانت در این نظام حقوقی، به معنای نگاهداری و تربیت اطفال تلقی می‌شود.<sup>۴</sup> برای نمونه، ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده (مصوب تیرماه ۱۳۴۶) به تفکیک نفقه، حضانت و تربیت اشاره می‌کند، در حالی که ماده ۱۳ همان قانون، حضانت را به معنای اعم تربیت و نگهداری به کار می‌برد.<sup>۵</sup>

### ۱-۲ اهمیت حضانت

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که اساس تربیت انسان را بنا می‌گذارد و کودک در کانون آن قرار دارد. اهمیت نهاد خانواده در حقوق نیز به دلیل نقشی است که در پرورش کودک ایفا می‌کند. چنانچه نیازهای روحی، روانی و جسمی کودک تأمین گردد، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت.<sup>۶</sup>

در متون اسلامی نیز حضانت کودک دارای اهمیت ویژه‌ای است. آیات متعددی از قرآن کریم به حقوق و مراقبت از کودک اشاره کرده‌اند، از جمله:

---

<sup>۱</sup> ابن منظور، *لسان العرب*، ماده حَضَن.

<sup>۲</sup> جعفر لنگرودی، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱.

<sup>۳</sup> محقق حلی، *شرایع الاسلام*، ج ۲، ص ۹۸.

<sup>۴</sup> قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، باب دوم از کتاب هشتم.

<sup>۵</sup> آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۴۶، مواد ۱۲ و ۱۳.

<sup>۶</sup> مصطفی محقق داماد، *تحلیل حقوق خانواده در اسلام*، قم: مرکز مطالعات فقهی، ۱۳۸۲.

آیه ۶ سوره طلاق: توصیه به نفقه و اجرت مادران شیرده<sup>۱</sup>

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٍ فَلَا تُنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمِّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فُسْرُضِعْ لَهُ أُخْرَىٰ

تفسیر بسیار کوتاه و مفید: این آیه به شوهران توصیه می‌کند که در ایام عده، زنان مطلقه را در محل سکونت مناسب و متناسب با توان مالی خود اسکان دهند. آیه ناظر به رعایت عدالت، کرامت زن و حمایت مالی و روانی در دوره حساس طلاق است. همچنین، بر تأمین هزینه فرزندان شیرخواره نیز تأکید دارد.

**تفسیر المیزان:** آیه بر لزوم رعایت عرف اجتماعی و امکانات مالی در سکونت زن مطلقه دلالت دارد؛ همچنین، آیه نشان می‌دهد زن در ایام عده باید در خانه شوهر بماند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود<sup>۲</sup>.

آیه شریفه‌ی طلاق، بر لزوم رعایت عرف اجتماعی و وضعیت مالی مرد در تأمین مسکن برای زن مطلقه دلالت دارد؛ همچنین طبق تفسیر المیزان، این آیه بر ضرورت اقامت زن در خانه شوهر در ایام عده تأکید دارد، مگر آنکه شرایطی خاص خلاف آن را اقتضا کند.

**تفسیر نمونه:** این آیه جنبه حمایتی حقوقی از زن در برابر طلاق دارد و بر مسئولیت مالی شوهر، حتی پس از طلاق، تأکید می‌کند<sup>۳</sup>.

در تفاسیر معاصر، بر جنبه حمایتی آیه از زن مطلقه تأکید شده است. به‌ویژه تفسیر نمونه این آیات را ناظر بر تکلیف مالی مرد نسبت به زن حتی پس از طلاق دانسته و آن را نوعی ضمانت حقوقی برای صیانت از کرامت زن معرفی می‌کند.

**مجمع البیان:** برخی فقها از این آیه استفاده کرده‌اند که شوهر باید برای زن مطلقه‌ای که عده‌اش را نگه می‌دارد، مسکن مناسب تهیه کند<sup>۴</sup>.

برخی تفاسیر فقهی نظیر مجمع البیان، از آیات مربوط به طلاق چنین استفاده کرده‌اند که تهیه مسکن مناسب برای زن مطلقه‌ای که عده‌اش را نگه می‌دارد، بر عهده شوهر است. این برداشت، پایه‌ای برای بخشی از مسئولیت‌های مالی مرد در دوران پس از طلاق تلقی شده است.

<sup>۱</sup> قرآن کریم، سوره طلاق، آیه ۶.

<sup>۲</sup> طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۴۱، ذیل آیه ۱ سوره طلاق.

<sup>۳</sup> مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۵۵، ذیل آیات آغازین سوره طلاق.

<sup>۴</sup> طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۲۲، ذیل آیه ۶ سوره طلاق.

آیه ۱۴۰ و ۱۵۱ سوره انعام، آیه ۳۱ سوره اسرا: نهی از قتل فرزندان به دلایل اقتصادی<sup>۱</sup>

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

تفسیر بسیار کوتاه و مفید: این آیه یکی از شدیدترین نکوهش‌ها علیه کشتن فرزندان از روی جهل و خرافه است. در گذشته، برخی اقوام فرزندان خود، به‌ویژه دختران، را از ترس فقر یا اعتقادات جاهلانه می‌کشتند. آیه بر حق حیات کودک، ممنوعیت سلب آن از سوی والدین و حرمت تعرض به فرزندان تأکید دارد.

نکات تفسیری مهم:

**تفسیر المیزان:** آیه مذمت کسانی است که با اندیشه‌های باطل و نادانی فرزندان را قربانی عقاید جاهلانه می‌کردند. این کار نوعی ظلم آشکار به کودک و خلاف فطرت انسانی است.<sup>۲</sup>

در تفسیر المیزان، قتل فرزندان در دوره جاهلیت که بر اساس باورهای باطل یا ترس از فقر انجام می‌شد، نوعی ظلم آشکار به کودک دانسته شده است. این عمل نه تنها برخلاف عقل و فطرت انسانی است، بلکه نمادی از انحطاط اخلاقی در جوامع بی‌عدالت معرفی می‌شود.

**تفسیر نمونه:** آیه پیام روشن اجتماعی دارد: کودکان بی‌گناه حق زندگی دارند، و هیچ‌کس پدر و مادر حق ندارد به زندگی آنان آسیب بزند.<sup>۳</sup>

تفسیر نمونه با نگاهی اجتماعی به آیات نهی از قتل فرزندان، بر این نکته تأکید دارد که کودکان بی‌گناه، حق طبیعی زندگی دارند و هیچ‌کس پدر و مادر حق ندارد این حق را سلب کند. این پیام، فراتر از یک دستور اخلاقی، نوعی چارچوب حقوقی برای حمایت از حقوق کودکان در برابر خشونت‌های خانوادگی تلقی می‌شود.

**مجمع البیان:** بیانگر آن است که قتل اولاد، چه از روی فقر و چه عقاید خرافی، گناهی بزرگ و نشان سفاهت عقل است.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> همان، سوره انعام، آیه ۱۴۰.

<sup>۲</sup> طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۶۰، ذیل آیه ۱۳۷ سوره انعام.

<sup>۳</sup> مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۳۴، ذیل آیه ۱۵۱ سوره انعام.

<sup>۴</sup> طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۰، ذیل آیه ۱۴۰ سوره انعام.

۲. توسعه تفسیر شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص اصل ۱۶۷ قانون اساسی به نحوی که استفاده از منابع فقهی برای حمایت از کودک تسهیل شود.<sup>۱</sup>

۳. تقویت ضمانت اجرای قانونی برای اجرای احکام حضانت، از جمله امکان بازداشت کوتاه مدت والد متخلف یا استفاده از مددکار اجتماعی برای نظارت مستمر.<sup>۲</sup>

۴. آموزش قضات دادگاه خانواده در حوزه روان شناسی کودک و حقوق کودک برای ارتقاء کیفیت احکام صادره در دعاوی حضانت.<sup>۳</sup>

## نمونه های قضایی واقعی در زمینه حضانت کودک

### ۱- سلب حضانت به دلیل اعتیاد والدین

شرح پرونده:

در پرونده ای که در دادگاه خانواده تهران مطرح شد، مادر به دلیل اعتیاد شدید به مواد مخدر و رفتارهای خشونت آمیز، از حضانت فرزند ۶ ساله خود محروم شد. پدر نیز به دلیل عدم توانایی مالی و شغلی مناسب، قادر به نگهداری کودک نبود.

رأی دادگاه:

دادگاه با استناد به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، که به سلب حضانت در صورت تهدید سلامت جسمی یا اخلاقی کودک اشاره دارد، حضانت کودک را از هر دو والد سلب کرد. سپس با توجه به مصلحت کودک، حضانت به یکی از بستگان نزدیک که شرایط مناسب تری داشت، واگذار شد.<sup>۴</sup>

### ۲. حضانت پس از فوت یکی از والدین

شرح پرونده:

---

<sup>۱</sup> دستور تفسیری شورای نگهبان پیرامون اصل ۱۶۷، ۱۳۶۳.

<sup>۲</sup> نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، شماره ۱۲۵۹/۹۸/۷، مورخ ۲۳/۵/۱۳۹۸.

<sup>۳</sup> آقنواتی، مهدی، «تحلیل فقهی-حقوقی مصلحت کودک در دعاوی حضانت»، *مطالعات حقوقی-قضایی*، ش ۳۶، ۱۴۰۰.

<sup>۴</sup> مقاله "قوانین حضانت کودک در قانون مدنی ایران: آسیب ها و راهکارها" توسط دکتر بهروز جندقی، منتشر شده در فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۶.

پس از فوت مادر کودک ۵ ساله‌ای در مشهد، پدر نیز در قید حیات نبود. دادگاه باید تعیین می‌کرد که حضانت کودک به چه کسی واگذار شود.

رأی دادگاه:

با توجه به ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، که در صورت فوت یکی از والدین، حضانت به دیگری منتقل می‌شود، دادگاه حضانت کودک را به جد پدری او واگذار کرد. در این پرونده، دادگاه با بررسی شرایط جد پدری، حضانت را به او تأیید کرد<sup>۱</sup>.

۳. سلب حضانت به دلیل ازدواج مجدد مادر

شرح پرونده:

مادر کودک ۴ ساله‌ای در تهران پس از طلاق از همسر اول خود، مجدداً ازدواج کرده بود. پدر خواهان سلب حضانت از مادر و اعطای آن به خود بود.

رأی دادگاه:

بر اساس ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، که به سلب حضانت در صورت ازدواج مجدد مادر اشاره دارد، دادگاه حضانت کودک را از مادر سلب کرد و آن را به پدر واگذار نمود<sup>۲</sup>.

## نتیجه‌گیری:

بر اساس آیات قرآن کریم: آیات متعددی مانند سوره طلاق، انعام و لقمان نشان می‌دهند که حضانت کودک، مسئولیتی الهی و اجتماعی است که با حفظ کرامت کودک، تأمین نیازهای مادی و معنوی، و رعایت مصالح او پس از طلاق والدین‌گره خورده است. قرآن بر وظیفه والدین در تأمین تغذیه، امنیت و تربیت کودک تأکید دارد و حمایت از کودک را بخشی از ساختار عدالت اجتماعی می‌داند.

بر اساس روایات اهل بیت (ع): روایات و ادعیه‌ای همچون دعا‌های امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه، حضانت را نه تنها وظیفه طبیعی والدین، بلکه نوعی عبادت و امانت الهی معرفی می‌کنند. در این متون، رشد جسمی و روانی کودک، نقش مادر در دوران ابتدایی، و مسئولیت‌پذیری والدین مورد تأکید قرار گرفته است.

---

<sup>۱</sup>مقاله "حضانت فرزند در حقوق ایران" منتشر شده در وبسایت موسسه حقوقی وکیل آتی.

<sup>۲</sup>مقاله "حضانت فرزند طبق قوانین ۱۴۰۲" منتشر شده در وبسایت موسسه حقوقی وکیل آتی.

بر اساس منابع فقهی امامیه: فقه شیعه، به‌ویژه در تحریرالوسیله امام خمینی (ره)، حضانت را حقی برای والدین می‌داند که مشروط به حفظ صلاح کودک است. اولویت حضانت در سال‌های ابتدایی زندگی با مادر است (تا دو سالگی برای پسر و هفت سالگی برای دختر)، و در صورت بروز فسق یا خطر برای کودک، این حق قابل سلب است. که در این مقاله بیان شده که در سال ۸۲ این قانون عوض شده است.

بر اساس قوانین و رساله‌های عملیه: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، حضانت را نهادی قانونی با پشتوانه فقهی و اخلاقی معرفی کرده‌اند. بر اساس این قوانین، حضانت تحت نظارت قضایی قرار دارد و در صورت بروز اختلاف، دادگاه بر اساس مصلحت کودک تصمیم‌گیری می‌کند. همچنین، رساله‌های عملیه حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین دانسته‌اند، که مشروط به صلاحیت اخلاقی و حفظ مصالح کودک است.

حضانت کودک در منظومه حقوق اسلامی، ساختاری چندوجهی و انسانی دارد که میان فقه، اخلاق، قانون و مصلحت کودک پیوند برقرار می‌کند. با این حال، در نظام اجرایی کشور خلأهایی چون ضعف در ضمانت‌های عملی، نبود نهادهای حمایتی جامع، و چالش‌های فرهنگی درک درست از مفهوم حضانت وجود دارد که نیازمند اصلاح و تقویت در سطوح تقنینی، قضایی و آموزشی است.

## فهرست منابع :

قرآن کریم

۱. اسلام‌پور، سید حسن، «تحلیل حقوقی حضانت کودک در فقه و قانون ایران»، پژوهش‌های فقهی حقوقی،

دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۸.

۲. جعفری، محمد، «بررسی تطبیقی حضانت کودک در قوانین ایران و سایر کشورها»، مجله حقوق خانواده،

شماره ۱۵، ۱۳۹۷.

۳. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۴۶، اصلاحات ۱۳۹۰، مواد ۱۱۷۰ تا ۱۱۸۰.

۴. قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱.

۵. امام خمینی (ره)، «تحریر الوسیله»، بخش نکاح و طلاق، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۶. دانشنامه اسلامی، مقاله «حضانة»، مرکز تحقیقات اسلامی.
۷. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۳۴۵، آبان ۱۳۹۱.
۸. بهروز جندقی، دکتر، «قوانین حضانة کودک در قانون مدنی ایران: آسیب‌ها و راهکارها»، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۶.
۹. موسسه حقوقی وکیل آتی، «حضانة فرزند در حقوق ایران»، وبسایت رسمی، ۱۴۰۲.
۱۰. موسسه حقوقی وکیل آتی، «حضانة فرزند طبق قوانین ۱۴۰۲»، وبسایت رسمی، ۱۴۰۲.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، با اصلاحات بعدی.
۱۲. سبحانی، محمد رضا، «فقه الأحکام»، قم، انتشارات المکتبۃ الإسلامیة، ۱۳۹۰.
۱۳. سید کاظم یزدی، «رساله عملیه»، چاپ قم، ۱۳۹۵.
۱۴. کتاب «فقه و حقوق خانواده در ایران»، تألیف محمد مهدی شمس، انتشارات سمت، ۱۳۹۷.
۱۵. UNCRC. *Constitutional Provisions Relating to the Rights of the Child*. Geneva: United Nations, ۲۰۱۹.
۱۶. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۴
۱۷. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۴
۱۸. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۵
۱۹. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، مسأله ۱۲
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا

۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، تهران: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵

۲۳. محقق داماد، مصطفی، تحلیل حقوق خانواده در اسلام، قم: مرکز مطالعات فقهی، ۱۳۸۲

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

موسوی نجار، سید احمد، نگاهی تربیتی به صحیفه سجادیه، پژوهشکده اخلاق و تربیت اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵. ۲۸

۲۹. صحیفه سجادیه (الدعاء، الصحیفه السجادیة)، ترجمه و شرح دکتر محسن قرائتی، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۴

صحیفه سجادیه به همراه ترجمه و شرح، اثر آیت الله علی اکبر رشاد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸. ۳۰

۳۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۳۴

۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲

۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲

۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲

۳۶. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۸، ص ۹۶، ح ۳۲۲

۳۷. رساله الحقوق، حق الولد.